

ساختار هیأت منصفه انگلستان

محمدجعفر حبیبزاده (دانشیار دانشگاه تربیت مدرس) - اسماعیل رحیمی نژاد (دانشجوی دوره دکتری تربیت مدرس)

چکیده:

در حال حاضر، ساختار هیأت منصفه انگلستان به گونه‌ای است که امکان حضور غالب اقشار مختلف این کشور در آن نهاد امکان‌پذیر است. با وجود این، قانونگذار انگلستان برخی اشخاص و گروه‌ها از قبیل قضات، وکلا و به‌طور کلی همه افرادی که دارای اطلاعات و دانش قضایی هستند را به‌عنوان اشخاص نامناسب، از عضویت در هیأت منصفه منع نموده است. امر مزبور از آن جهت است که آنان در تصمیم‌گیری‌های خود از اطلاعات حقوقی استفاده می‌کنند و این امر مانعی در راه قضاوت براساس وجدان و انصاف است و به‌علاوه، این افراد به‌دلیل داشتن اطلاعات حقوقی ممکن است سایر اعضا را نیز تحت تأثیر قرار دهند. همچنین در نظام حقوقی انگلستان، متهم با ذکر دلایل موجه، دادستان به‌طور نسبتاً مطلق و قاضی در موارد خاصی، از حق جرح یا انفصال اعضای هیأت منصفه برخوردارند. نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه در انگلستان کاملاً به‌صورت تصادفی و براساس قرعه صورت می‌پذیرد و اشخاص پس از انتخاب، موظف به حضور در هیأت منصفه هستند و چنانچه بدون عذر موجه در موعد مقرر حاضر نشوند، به اتهام اخلال در روند دادرسی تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

۱_ مقدمه:

سیر تکامل تمدن و تطور تاریخ سیاسی _ اجتماعی جوامع، نموداری از گرایش و تکاپوی بشریت برای دستیابی به عدالت است. در این میان، اجرا و تحقق عدالت قضایی همواره از باشکوه‌ترین ابعاد عدالت‌خواهی و شریف‌ترین آرمان‌های بشری بوده است و نگاه اجمالی به سیر تحول امر دادرسی نشان می‌دهد که بشریت برای نیل به چنین مقصود ارزشمندی چگونه با پذیرش رنج‌های فراوان دوره‌های تاریکی را پشت سر گذاشته و راهی به سوی نور و روشنایی باز نموده است. با وجود این، در طول تاریخ غالباً عدالت قضایی متأثر از قدرت‌های حاکم بوده و آنها در جهت‌دهی، تفسیر و تعیین مصادیق این مفهوم، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. نقش منفی مظالم و افراط‌گری‌های قضات منصوب حکام و سلاطین در قرون گذشته را باید از جمله عوامل مهمی دانست که بیش از پیش اندیشمندان عرصه حقوق و فلسفه را به ضرورت و اهمیت کنترل قدرت

قضایی از طریق دخالت دادن مردم در عرصه قضاوت یا دادرسی‌های مشارکتی رهنمون ساخت. بی‌تردید ایجاد و بسط نهادهای قضایی مردمی نظیر "هیأت منصفه" را می‌توان محصول چنین اندیشه و تفکری قلمداد کرد.

هیأت منصفه مجموعه‌ای از افراد عادی است که با داشتن شرایط اخلاقی و استقلال رأی و اندیشه، به‌عنوان نمایندگان افکار عمومی در برخی از محاکم کیفری شرکت نموده و در چهارچوب اختیارات قانونی، براساس وجدان و انصاف تصمیم‌گیری می‌نمایند. این نهاد قدیمی که میراث نظام حقوقی انگلستان محسوب می‌شود امروزه مدارج تکامل خود را در این کشور پیموده و تبدیل به یک نهاد مستحکم و استوار گردیده است. با این وجود، ساختار هیأت منصفه و کیفیت ترکیب اعضای آن نهاد، همواره از موضوعات مهم و مورد بحث در محافل حقوقی انگلستان بوده است. تأکید غالب حقوقدانان آن کشور در دهه‌های اخیر بر این امر معطوف بوده که ترکیب اعضای هیأت منصفه باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان اعضای آن را نمایندگان واقعی افکار عمومی و اقشار مختلف اجتماع قلمداد کرد. قانونگذار انگلستان نیز در همین راستا تدابیری اندیشیده است تا اقشار و طبقات مختلف مردمی براساس قرعه و به‌صورت کاملاً تصادفی به هیأت منصفه راه پیدا نمایند. نظر به اهمیت قواعد و مقررات حاکم بر ساختار هیأت منصفه انگلستان، ما در این مقاله پیرامون شرایط و کیفیت ترکیب اعضای هیأت منصفه در این کشور به بحث و بررسی خواهیم پرداخت. به‌طور یقین بحث پیرامون سایر ابعاد هیأت منصفه این کشور مستلزم نگارش مقالات مستقل دیگری خواهد بود.

۲_ شرایط عضویت

در گذشته برخی از شرایط لازم برای عضویت در هیأت منصفه، مانع حضور طیف وسیعی از اقشار جامعه در این نهاد می‌گردید. به‌عنوان مثال، پیش از تصویب "قانون (اصلاح) عدم صلاحیت به‌خاطر جنسیت"^(۱) در سال ۱۹۱۹م، زنان حق حضور در هیأت منصفه را نداشتند. همچنین تا قبل از تصویب "قانون عدالت کیفری ۱۹۷۲م"^(۲)، مالکیت اموال غیرمنقول به میزان معین،

از جمله شرایط ضروری برای عضویت در هیأت منصفه محسوب می‌گردید و همین امر خودبه‌خود منجر به عدم حضور زنان و افراد طبقات پایین اجتماع انگلستان در آن نهاد شده بود. امروزه به‌موجب "قانون هیأت‌های منصفه ۱۹۷۴ م."^(۳)، و اصلاحات به‌عمل آمده در آن به‌وسیله "قانون عدالت جزایی ۱۹۸۸ م."^(۴)؛ کلیه اشخاص (اعم از مرد و زن) حق حضور در هیأت منصفه را خواهند داشت مشروط بر آن که: الف) حداقل هجده و حداکثر هفتادسال سن داشته باشند؛ ب) به‌عنوان رأی‌دهنده در انتخابات دولتی یا پارلمانی نام‌نویسی کرده باشند؛ ج) به‌مدت پنج‌سال از سن سیزده‌سالگی ساکن انگلستان باشند.

۳_ موانع عضویت

برحسب صدر ماده (۱) همان قانون، پذیرش عضویت هیأت منصفه برای کلیه اشخاص حائز شرایط، به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی تلقی می‌شود و با توجه به "قانون اخلال در روند دادرسی" مصوب ۱۹۸۱ م، چنانچه اشخاص احضار شده، بدون دلیل موجه در زمان مقرر حاضر نشوند، به مجازات جزای نقدی محکوم خواهند شد. با وجود این، قانونگذار انگلستان اشخاص خاصی را از خدمت در هیأت منصفه منع نموده است. در یک بیان کلی می‌توان موارد ممنوعیت حضور در هیأت منصفه انگلستان را به سه گروه کلی تقسیم کرد. در ذیل، پیرامون هر یک از این گروه‌ها بحث خواهیم نمود.

۳_۱_ فقدان صلاحیت به دلیل سوابق کیفری

قانونگذار انگلیس در بخش دوم جدول شماره یک قانون هیأت‌های منصفه ۱۹۷۴ م، اشخاص ذیل را به خاطر داشتن سوابق کیفری، برای عضویت در هیأت‌های منصفه فاقد صلاحیت شناخته است: الف) افرادی که در کشور انگلستان به مجازات "حبس ابد" یا "تحت مراقبت برای ابد" یا به حبس پنج سال و بیشتر یا "توقیف در مرکز جوانان" محکوم شده‌اند. ب) افرادی که ظرف ده سال اخیر در کشور انگلستان به هر نوع حبس یا محکومیت به توقیف در مرکز مراقبت جوانان یا به تعلیق مجازات حبس و یا "کار عام‌المنفعه" محکوم شده باشند.

ج) افرادی که در ظرف پنج سال اخیر در انگلستان تحت قرار "تعلیق مراقبتی" قرار گرفته باشند.

د) افرادی که به واسطه یک اتهام کیفری در توقیف باشند.

۲_۳_ عدم شایستگی به دلیل داشتن اطلاعات حقوقی

برحسب بخش اول جدول شماره یک قانون هیأت‌های منصفه ۱۹۷۴ م، اشخاص ذیل برای خدمت در هیأت منصفه نامناسب هستند:

الف) قضات؛

ب) سایر دست‌اندرکاران دستگاه قضایی، شامل: وکلای دادگستری، مشاورین حقوقی، کارآموزان، تشکیلات سلطنتی تعقیب، کارمندان دادگاه، مأمورین زندان، افسران پلیس و حقوقدانان؛

ج) اشخاص مختل‌المشاعر؛

د) کشیش‌ها و مقامات مذهبی.

علت مناسب نبودن اشخاص دسته اول و دوم برای عضویت در هیأت منصفه، امکان استفاده آنان از اطلاعات حقوقی در تصمیم‌گیری نسبت به پرونده است و این امر برخلاف فلسفه هیأت منصفه و داوری براساس وجدان است. به علاوه، اشتغال جاری یا قبلی آنان در سیستم کیفری مانع بی‌طرفی هیأت منصفه است و ممکن است آنان بقیه اعضای هیأت منصفه را نیز تحت تأثیر اطلاعات و سوابق حقوقی خود قرار دهند. دلیل محرومیت دسته سوم نیز روشن است؛ چرا که افراد روانی و مختل‌المشاعر قدرت تصمیم‌گیری عقلانی پیرامون سرنوشت یک متهم را ندارند. در خصوص فلسفه محرومیت دسته چهارم (یعنی روحانیون و مقامات مذهبی) به قطعیت نمی‌توان پاسخ داد. «پاسخ را شاید بتوان در این واقعیت یافت که یک مقام مذهبی، موظف است یک دسته ارزش‌های "آسمانی" و از پیش تعیین شده را مقدس بداند و از آنها حمایت کند. این اعتقاد و وظیفه، به وضوح با برخورد عرفی با مسایل اجتماعی که لازمه عینی‌گرایی در شناخت مصداق است، می‌تواند تعارض داشته باشد و اساس نظام ژوری را نقض کند. به عبارت دیگر، اعتقاد و

وظیفه یک مقام مذهبی ممکن است او را به یک نوع داوری اخلاقی بکشاند و کسی را که از نظر اخلاقی مقصر شناخته در ارتکاب جرم نیز مقصر بشناسد. یک ژوری بی طرف باید معیارهای اخلاقی خود را در بررسی اتهام دخالت ندهد و فقط اگر جرمی را بنابر تعریف قانون و نه براساس هر تعریف دیگر، مرتکب شده رأی به تقصیر او بدهد؛ اما پیشوایان مذهبی، به سختی می توانند چنان بی طرف بمانند و کسی را که از دید آنان مرتکب خلاف شده ولی از دید قانون خیر، تبرئه کنند. پیش داوری مذهبی با قضاوت مصداقی چندان با هم نمی خواند». در عین حال، ممنوعیت حضور روحانیون مذهبی در هیأت منصفه با مخالفت "کمسیون ران سیمن" و "کمسیون سلطنتی عدالت کیفری" روبه رو گردیده است.

۴_ موارد معافیت یا تعویق احتیاطی

در حقوق انگلستان، علاوه بر موارد ممنوعیت فوق، امکان "معافیت یا تعویق احتیاطی" اعضای هیأت منصفه نیز مورد پیش بینی قرار گرفته است. مصداق معافیت از خدمت در هیأت منصفه محدود است و حتی «در احضاریه هایی که برای اعضای هیأت منصفه فرستاده می شود هیچ گونه اشاره ای به امکان معافیت نمی شود؛ زیرا خدمت در هیأت منصفه یک وظیفه مهم اجتماعی است و آحاد جامعه باید به طور تصادفی متقبل و متعهد این خدمت شوند... با این حال اوضاع و احوالی وجود دارد که مطابق آن یک عضو هیأت منصفه می تواند از خدمت معاف شود. به طور مثال، اگر عضو هیأت منصفه در پرونده ذی نفع باشد یا دارای ارتباط خویشاوندی یا دولتی با یکی از طرفین دعوا یا شهود باشد، باید از خدمت معاف شود. همچنین اگر عضو هیأت منصفه دارای مشکلات شخصی باشد یا خدمت در هیأت منصفه را مخالف وجدان خود بداند باید از خدمت در هیأت منصفه معاف شود». افراد بالای شصت و پنج سال، دارندگان برخی مشاغل مهم و حساس نظیر پزشکان، دندان پزشکان، داروفروشان، پرستاران و غیره، اعضای تمام وقت گارد سلطنتی، نمایندگان مجلس عوام، اعیان و پارلمان اروپا و اعضای فعال اجتماعات مذهبی با هر گرایشی دینی که اصول اعتقادی و باورهای مذهبی آنها با عضویت در هیأت منصفه سازگار نباشد،

می‌توانند در صورت تمایل از خدمت در هیأت منصفه معاف شوند. همچنین «حضور عضو هیأت منصفه در دادگاه ممکن است با داشتن عذر موجه به تعویق افتد»، به‌طور مثال اگر دانشجویی در تاریخ امتحان یا قبل از آن برای شرکت در هیأت منصفه احضار شود، با تقاضای وی حضور او معوق خواهد ماند. قاضی دادگاه سلطنتی نیز از این اختیار برخوردار است که چنانچه عضو هیأت منصفه دلیل موجه و قانع‌کننده‌ای^(۵) برای عدم حضور خود در آن نهاد ذکر نماید وی را معاف نموده یا خدمتش را معوق به زمانی دیگر کند.

۵_ جرح و انفصال اعضا

در حقوق انگلستان، متهم و دادستان، هر یک با شرایطی حق جرح اعضای هیأت منصفه را دارند. قاضی دادگاه نیز در چهارچوب اختیارات خود از حق انفصال اعضای هیأت منصفه برخوردار است. براین اساس، در ذیل، نخست اسباب و موارد جرح، سپس طرق و روش‌های اعمال حق جرح و در نهایت اختیارات قاضی دادگاه در انفصال اعضای هیأت منصفه را مورد بحث قرار خواهیم داد.

۵_۱_ اسباب جرح

در حال حاضر از نظر قوانین موضوعه، عذر موجه برای رد عضو هیأت منصفه همان مواردی است که تحت عنوان "فقدان صلاحیت" و "نامناسب بودن" در بحث‌های قبلی مورد اشاره قرار دادیم. با وجود این، مطابق حقوق "کامن‌لا" به چهار جهت می‌توان اعضای هیأت منصفه را مورد جرح قرار داد:

۱_ داشتن نفع یا امتیاز در دعوا.

۲_ سابقه محکومیت کیفری.

۳_ فقدان صلاحیت لازم.

۴_ تعصب خاص عضو هیأت منصفه.

سه نوع اول همان فقدان صلاحیت یا منع قانونی عضو هیأت منصفه است و تشخیص آن نیز چندان مشکل نیست. اما تعصب خاص عضو هیأت منصفه مسئله‌ای است که پیرامون چگونگی

تشخیص آن بحث‌های مفصل در حقوق انگلستان صورت گرفته است. "بیلی" و "گان" می‌نویسند: «تعصب خاص عضو هیأت منصفه با پاسخ به این سؤال که آیا عضو هیأت منصفه قادر است تصمیم صادقانه براساس ادله‌ارایه شده بگیرد و آیا به سوگندی که در این زمینه خورده است وفادار است، مشخص می‌شود». آنها در عین حال به این نکته صریحاً اشاره می‌نمایند که: «این مطلب که عضو هیأت منصفه از یک نژاد خاص یا دارای عقاید دینی خاص است دلیلی بر تعصب نیست و با این استدلال، عضو هیأت منصفه را نمی‌توان جرح کرد». "باکستون"^(۶) نیز تعصب اعضای هیأت منصفه را در سه حالت زیر تفسیر می‌نماید:

الف) ارتباط عضو هیأت منصفه با موضوع پرونده یا با طرفین دعوا. اگر این ارتباط وجود داشته باشد، تعصب مفروض است.

ب) اطلاعات شخصی عضو هیأت منصفه در مورد شخصیت متهم. اگر این اطلاعات وجود داشته باشد نیز تعصب مفروض است.

ج) "خصومت عام"^(۷) «این مورد تعصب مفروض نیست، بلکه بایستی اثبات شود».

۵_۲_ طرق اعمال حق جرح

توجه و تأکید نظام حقوقی انگلیس بر بی‌طرفی اعضای هیأت منصفه و تضمین سلامت ترکیب آن نهاد، موجب گردیده است که روش‌های مخصوصی در این نظام حقوقی برای جرح اعضای هیأت منصفه شکل گیرد. قواعد و قوانین گذشته انگلستان، بر مبنای ایجاد تعادل و توازن در میان اختیارات متهم و مقام تعقیب در جرح اعضای هیأت منصفه واگذار می‌شد، متهم نیز متقابلاً از چنین اختیاراتی برخوردار می‌گردید تا طرفین نسبت به سلامت ترکیب هیأت منصفه اطمینان حاصل نمایند. وضع مقررات جدید و حذف یک جانبه برخی اختیارات متهمین در مسئله جرح اعضای هیأت منصفه، امروزه موجب برهم خوردن تعادل مذکور در بالا گردیده است. مطالعه دقیق روش‌های جرح اعضای هیأت منصفه انگلستان و بررسی اقدامات و اصلاحات صورت گرفته در سال‌های اخیر آن کشور، ضمن اثبات مطالب بالا نقاط قوت یا ضعف نظام حقوقی انگلستان در

مسئله یادشده را نیز روشن خواهد ساخت. در همین راستا می توان طرق جرح اعضای هیأت منصفه آن کشور را به سه دسته ذیل تقسیم نمود:

۵_۲_۱ جرح به دلیل معین

مقصود از "جرح با دلیل"، استناد طرفین دعوا یا دادستان به یکی از دلایل مصرح در قانون یا حقوق مبتنی بر کامن لا، جهت رد اعضای هیأت منصفه است. در کشور انگلستان به دلیل آن که دادستان از حق مطلق برای جرح اعضای هیأت منصفه برخوردار است، استفاده ایشان از حق جرح با دلیل، معنای چندانی ندارد. حق جرح با دلیل از سوی متهمین نیز به ضرورت مورد استفاده قرار می گیرد؛ زیرا علم و اطلاع متهمین از اعضای هیأت منصفه تا قبل از محاکمه بسیار اندک است و آنها حق تحقیق و تفتیش پیرامون اعضای هیأت منصفه را ندارند و در عین حال موظفند که در ابتدای امر مدارک و دلایلی دال بر صحت ادعای جرح خود به دادگاه ارایه نمایند. به علاوه، در مسئله "تعصب" نیز، متهمین کمتر بدین دلیل اعضای هیأت منصفه را جرح می نمایند. علت این امر آن است که اندیشه رایج در کشور انگلستان (و بسیاری دیگر از کشورهای کامن لا) بر این پایه استوار است که، اولاً: اعضای آن نهاد از قسم خود مبنی بر بی طرفی در دعوا اصولاً عدول نخواهند کرد. ثانیاً: راهنمایی های قضات تا حد زیادی از میزان تعصبات احتمالی اعضا پیشگیری خواهد کرد. ثالثاً: مشاوره اعضای هیأت منصفه با یکدیگر، تعصبات شخصی افراد را خنثی خواهد نمود. رابعاً: به دلیل پذیرش رأی اکثریت (به جای اتفاق آرا) رأی متعصبانه چند نفر از اعضا بی اثر خواهد ماند. خامساً: قانون اخلاص در روند دادرسی (که هرگونه تبلیغات ضرر آمیز در قبل یا خلال محاکمه را منع نموده است) از ایجاد پیش داوری و تعصب برای اعضای هیأت منصفه، شدیداً جلوگیری خواهد کرد.

۵_۲_۲ جرح مطلق

در انگلستان تا پیش از سال ۱۹۸۸ م، برای متهم حق جرح مطلق اعضای هیأت منصفه وجود داشت. این حق بدین صورت بود که پس از احضار اعضای هیأت منصفه به دادگاه و قبل از انجام

مراسم تحلیف، متهم یا وکیل وی حق داشتند با گفتن کلمه "اعتراض"^(۸)، برخی اعضای هیأت منصفه را بدون ذکر هرگونه دلیل، رد نمایند. فلسفه اعطای این حق به متهم آن بود که فرصتی فراهم شود تا وی بتواند با جرح آزادانه افرادی که از نظرش متعصب و غرض‌ورز هستند، ترکیب عادلانه‌ای را برای محاکمه خود مهیا نماید. به‌علاوه، این حق نقش مؤثری را در تضمین اختلاط نژادی ترکیب هیأت منصفه (به‌ویژه زمانی که متهم یکی از اقلیت‌های نژادی بود) ایفا می‌نمود.

بروز برخی وقایع در محاکمه پرونده‌های مهم، به تجربه ثابت کرد که اعطای چنین حق مطلق به متهمین، علاوه بر آنکه موجب کندشدن روند دادرسی است، موجب سوء استفاده فراوان متهمین حرفه‌ای از این حق خواهد شد. به همین جهت قوانین آن کشور مکرراً تعداد مجاز استفاده از این حق را محدود نمودند.

در سال ۱۹۲۵ م، تعداد مجاز حق جرح برای هر متهم در یک پرونده، از بیست و پنج بار به دوازده بار کاهش یافت و در سال ۱۹۴۹ م، این تعداد به دنبال پرونده‌ای اتفاق افتاد که در آن متهمین پرونده (که عمدتاً جوانان سیاه‌پوست بودند) با اعمال جرح‌های متعدد، ترکیب هیأت منصفه را مملو از افراد سیاه‌پوست نمودند و نهایتاً توسط آن هیأت تبرئه گردیدند. باوجود کاهش تعداد مجاز این حق در قوانین، همچنان انتقادات فراوانی نسبت به آن از سوی مجامع حقوقی انگلستان مطرح می‌گردید. به دنبال محاکمه پرونده "اسرار قبرس" (که ادعا می‌شود تبرئه متهمین این پرونده به خاطر توافقات پشت‌پرده وکلای متهمین در استفاده از حق جرح مطلق برای به‌دست آوردن ترکیب دلخواه هیأت منصفه، بوده است) کمیته روسکیل در سال ۱۹۸۶ م، پیشنهاد نسخ کل این حق را مطرح نمود. استدلال این کمیته بر این مبنا بود که «... توسعه حق جرح مطلق الزاماً به نابودی و امحای اصل انتخاب اتفاقی اعضای هیأت منصفه منجر خواهد شد و این حق می‌تواند متهمین را قادر سازد که ترکیب هیأت منصفه را به نفع خود تغییر دهند». به دنبال این پیشنهاد، «قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۸ م»، به‌طور کلی حق جرح مطلق را منسوخ اعلام نمود.

۵_۲_۳_ جرح ویژه به وسیله دادستان (Stand By)

در نظام حقوقی انگلستان، تا پیش از سال ۱۳۰۵ م، علاوه بر متهم، مقام تعقیب نیز از حق جرح مطلق اعضای هیأت منصفه برخوردار بود. در این سال (به دنبال رد تعداد زیادی از اعضای هیأت منصفه توسط آن مقام) حق مزبور از وی سلب گردید. در عوض به تدریج امتیازی به دادستان یا

مقام تعقیب واگذار شد که عملاً تفاوت چندانی با حق جرح مطلق نداشت. این حق که در انگلستان تحت عنوان «Stand By» مشهور گردیده است، امروزه بدین صورت اجرا می‌شود که دادستان تا مادامی که اعضای مندرج در لیست هیأت منصفه تماماً رد نشده‌اند حق دارد هر کدام از اعضای آن نهاد را بدون ذکر هیچ‌گونه دلیلی رد نماید. چنانچه در نتیجه این کار، لیست اعضای هیأت منصفه خالی از افراد شود، اعضای جرح شده به جای خود باز خواهند گشت و دادستان تنها در صورت داشتن دلیل موجه، حق رد آنها را پیدا خواهد کرد. به دلیل آنکه بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که همه افراد مندرج در لیست هیأت منصفه، (از سوی دادستان) رد شوند، به همین خاطر عملاً امتیاز مزبور برای وی نوعی حق جرح مطلق تلقی می‌شود.

انتظار می‌رفت که با حذف حق جرح مطلق برای متهم در سال ۱۹۸۸ م، امتیاز Stand By نیز برای دادستان حذف گردد، اما دولت انگلستان این امر را نپذیرفت و چنین استدلال کرد که چون این حق در عمل بسیار به ندرت به کار برده می‌شود و همچنین دلیل و مدرکی مبنی بر سوءاستفاده دادستان از این حق وجود ندارد، نیازی به حذف و نسخ این حق ویژه احساس نمی‌گردد. با وجود این، به دلیل نسخ حق جرح مطلق برای متهمین، دادستان کل دستورالعملی را برای ضابطه‌مند کردن استفاده دادستان‌ها از امتیاز مزبور صادر کرد. طی این دستورالعمل مقرر گشت «دادستان باید حق "Stand By" را فقط در چهارچوب‌های کاملاً مشخص و براساس ضوابطی محدود اعمال نماید». این ضوابط اجازه نمی‌دهد که دادستان، این امتیاز را نسبت به کل ترکیب اعضای هیأت منصفه یا در جهت منافع خود به کار گیرد. طبق این دستورالعمل، دادستان در مواردی از این حق بهره خواهد جست که عضو هیأت منصفه، به طور کاملاً روشن، شایستگی و لیاقت رسیدگی به پرونده معینی را نداشته باشد؛ مثل موردی که شخص دعوت شده برای یک محاکمه پیچیده، فردی بی‌سواد باشد.

با وجود یک چنین دستورالعملی، بسیاری بر این اعتقادند که با توجه به اختیارات وسیعی که دادستان (برخلاف متهم)، در نظام حقوقی انگلیس در زمینه تحقیق و تفحص پیرامون صلاحیت اعضای هیأت منصفه دارد، وجود حق "Stand By" برای دادستان کاملاً خلاف عدالت و موازینی است که بر تساوی طرفین در برابر دادگاه تأکید می‌نماید. "رابرت سون" در همین زمینه می‌گوید: «وجود امتیاز "Stand By" برای دادستان و اختیارات وسیع وی برای کسب اطلاعات (حتی محرمانه) در مورد اعضای هیأت منصفه از یک سو و سلب حق جرح مطلق از متهم و همچنین منع وی از داشتن اختیارات فوق از سوی دیگر، کاملاً مغایر با اصل ششم کنوانسیون حقوق بشر اروپایی است که نسبت به برگزاری یک محاکمه عادلانه تأکید می‌ورزد».

۵_۳_ اختیارات دادگاه در انفصال اعضا

علاوه بر موارد فوق، قاضی دادگاه سلطنتی انگلستان نیز از این قدرت برخوردار است که چنانچه فردی از اعضای هیأت منصفه را به جهاتی شایسته برای عضویت تشخیص ندهد، وی را از خدمت در آن نهاد منفصل نماید. البته صلاحیت قاضی دادگاه در انفصال اعضای هیأت منصفه بی حد و حصر نیست. به طور مثال: «قاضی دادگاه حق ندارد به دلیل اینکه ترکیب هیأت منصفه یک ترکیب خاص نژادی است، حکم به انفصال هیأت منصفه بدهد. تصمیم قاضی دادگاه مبنی بر انفصال یک عضو هیأت منصفه قطعی است، اما اگر قاضی دادگاه درخواست جرح یک عضو را نپذیرد، متهم می تواند از این تصمیم در مرحله پژوهش و ضمن اعتراض به حکم محکومیت خود، ایراد بگیرد.... اگر تردید و شکی در مورد صلاحیت عضو هیأت منصفه (نظیر ناتوانی جسمانی یا عدم آشنایی به زبان انگلیسی) پیش آید، عضو هیأت منصفه منفصل می شود. همچنین انفصال عضو هیأت منصفه، ممکن است به خاطر وقایع غیرقابل پیش بینی نظیر مرگ همسر وی باشد.... دایم الخمر بودن عضو هیأت منصفه، عدم توجه او به دادرسی، رفتار سبک سرانه وی در دادگاه و دستیابی به اطلاعاتی که نبایستی در اختیار هیأت منصفه قرار بگیرد، نظیر علم عضو هیأت منصفه به سوابق یا شخصیت منفی متهم، می تواند دلیلی بر انفصال وی توسط دادگاه باشد.... طرفداری و تعصب یک عضو هیأت منصفه به دلیل لطمه به محاکمه عادلانه، ممکن است منجر به انفصال کل هیأت منصفه شود. به علاوه، در یک محاکمه طولانی که با فشار قابل توجهی همراه است.... مقرراتی وجود دارد که در صورت بیماری یا به دلایل دیگر، امکان انفصال عضو هیأت منصفه را فراهم می نماید». ماده (۴۱) «قانون عدالت کیفری و نظم عمومی مصوب ۱۹۹۴م.» نیز در خصوص اختیارات قاضی دادگاه در انفصال اعضای هیأت منصفه مقرر داشته است: «چنانچه قاضی تشخیص دهد که فرد منتخب دارای توانایی های کافی برای عضویت در هیأت منصفه نیست، می تواند وی را از خدمت در آن نهاد منفصل نماید».

۶_ نحوه انتخاب اعضا

انتخاب اعضای هیأت منصفه انگلستان، در گذشته توسط کلانتری های^(۹) محلی آن کشور صورت می پذیرفت. اختیارات گسترده افراد مذکور در انتخاب یا عدم گزینش پاره ای افراد، خودبه خود موجب سوءاستفاده آنها در این زمینه می شد. در پاره ای از اوقات نیز به دلیل وجود برخی شرایط مالی لازم برای عضویت در هیأت منصفه، آنها از یافتن اشخاص حائز شرایط عاجز می ماندند و به ناچار افراد هیأت منصفه را کاملاً براساس سلیقه و به دلخواه خود انتخاب می کردند. به علاوه، در محاکمات جرایم مهمی چون "خیانت به مملکت"^(۱۰) لزوماً بایستی اعضای هیأت منصفه از طبقات

بالای اجتماعی انتخاب می‌شدند. به تدریج روش انتخاب اعضای هیأت منصفه تکامل یافت و از حالت انتصاب به سوی انتخاب افراد براساس قرعه سوق پیدا کرد. امروزه، اصلی که بر نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه آن کشور حاکم است، اصل "انتخاب اتفاقی" افراد هیأت منصفه است. به موجب این اصل، انتخاب اعضای هیأت منصفه بایستی به صورت کاملاً اتفاقی و براساس قرعه از میان اشخاص حائز شرایط صورت پذیرد. هدف از اجرای این اصل آن است که ترکیب این نهاد به گونه‌ای شکل گیرد که بتوان آن را نماینده واقعی افکار عموم طبقات انگلستان قلمداد کرد. به منظور تحقق این هدف، اعضای هیأت منصفه انگلستان طی سه مرحله انتخاب می‌شوند:

در مرحله اول «کسانی که به عنوان رأی‌دهنده در انتخابات دولت محلی یا پارلمان نام‌نویسی کرده‌اند و در نتیجه واجد شرایط شرکت در انتخابات هستند، مشخص می‌شوند.» در مرحله دوم «از بین فهرست واجدین شرایط شرکت در انتخابات، عده‌ای به‌طور اتفاقی توسط مأموران احضار و ابلاغ می‌شوند. از فوریه ۱۹۸۱ م، گزینش اعضای هیأت منصفه به صورت تصادفی و با استفاده از رایانه صورت می‌گیرد.... افرادی که به این صورت برای خدمت در هیأت منصفه انتخاب می‌شوند، یک احضاریه مبنی بر حضور در دادگاه به انضمام یک فرم مشتمل بر معرفی اشخاصی که ممنوع از خدمت در هیأت منصفه یا فاقد صلاحیت هستند و یک سری تذکرات در خصوص آیین دادرسی و وظایف اعضای هیأت منصفه، دریافت می‌دارند. آنهایی که برای حضور در هیأت منصفه انتخاب می‌شوند، "لیست اعضای هیأت منصفه"^(۱۱) را تشکیل می‌دهند.... این لیست در بردارنده اسامی، نشانی و تاریخ‌هایی برای حضور اعضای هیأت منصفه در دادرسی است. طرفین پرونده و وکلایشان حق دارند این لیست را قبل یا در جریان محاکمه مورد بررسی قرار دهند. دانستن اطلاعاتی در خصوص اعضای هیأت منصفه به وکلای طرفین دعوا، در اتخاذ این مطلب که شرایط رد این اعضا وجود دارد یا خیر کمک می‌کند.» در مرحله سوم «از لیست اعضای هیأت منصفه (که به شرح فوق تهیه شده است) هیأت منصفه‌ای برای یک پرونده خاص به وسیله قرعه‌کشی در جلسه علنی دادگاه تعیین می‌شود. منشی دادگاه اسامی مندرج در لیست اعضای هیأت منصفه را روی کارت‌ها نوشته و پس از بهم‌زدن آنها، به صورت اتفاقی، اسامی هیأت منصفه را از میان انبوه کارت‌ها بیرون می‌کشد. بنابراین، یک انتخاب تصادفی از لیست کلی هیأت منصفه که آن هم به صورت تصادفی تهیه شده است به عنوان اعضای اصلی هیأت منصفه یک دادگاه خاص به دست می‌آید.» همه افرادی که بدین ترتیب انتخاب می‌شوند عضو اصلی هیأت منصفه خواهند بود. براین اساس در سیستم هیأت منصفه انگلستان عضو علی‌البدل (یا ذخیره) وجود ندارد، و مادامی که تعداد اعضای هیئت منصفه به کمتر از نه نفر نرسیده است محاکمه ادامه خواهد یافت. اعضای

انتخاب شده موظفند برحسب وظیفه اجتماعی و ملی خود (بدون دریافت هیچ گونه حقوق و اجرتی، در زمان مقرر برای شرکت در هیأت منصفه حاضر شوند، در غیر این صورت با مجازات‌های نقدی دادگاه مواجه خواهند شد. پس از طی مراحل قانونی انتخاب هیأت منصفه، چنانچه نسبت به عضو هیأت منصفه جرحی صورت نگیرد و در نتیجه وی منفصل از خدمت در این نهاد نشود، باید سوگند یاد کند. متن سوگند به این شرح است: «من به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که متهم (یا متهمین) را صادقانه محاکمه کرده و مطابق دلایل ابرازی، تصمیم (یا تصمیم‌هایی) براساس حقیقت صادر کنم». پس از سوگند تک تک اعضای هیأت منصفه، آنها در جایگاه مخصوصی که برایشان در نظر گرفته شده است می‌نشینند و بدین ترتیب جریان رسیدگی آغاز می‌شود.

۷_ نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که امروزه ساختار هیأت منصفه انگلستان از دو خصوصیت و ویژگی اصلی برخوردار است. این خصوصیات مهم و بنیادین که نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق اهداف این نهاد دارند عبارتند از:

۱_ مردمی بودن ترکیب هیأت منصفه: قانونگذار انگلستان در تعیین اعضای هیأت منصفه با پذیرش سیستم قرعه‌کشی چند مرحله‌ای از میان حائزین شرایط شرکت در انتخابات (انتخاب‌کنندگان) که تمامی شهروندان بالغ این کشور را شامل می‌شود، توانسته است به هدف اصلی حضور هیأت منصفه در محاکمات یعنی مشارکت افراد عادی در دادرسی تحقق بخشد. در این سیستم تنها امکان عدم حضور بخش‌های اندکی از افراد جامعه (آن هم به دلایلی کاملاً منطقی) وجود ندارد...

۲_ منع افراد حرفه‌ای از ورود به هیأت منصفه: در حقوق انگلستان، قضات و سایر دست‌اندرکاران دستگاه قضایی و در مجموع حقوقدانان و اشخاصی که دارای اطلاعات و دانش قضایی هستند به عنوان اشخاص نامناسب، ممنوع از عضویت در هیأت منصفه هستند؛ و فلسفه این امر آن است که آنان در تصمیم‌گیری‌های خود از اطلاعات حقوقی استفاده می‌کنند و این امر مانعی در راه قضاوت براساس وجدان و انصاف است و به علاوه، این افراد به دلیل اطلاعات حقوقی ممکن است سایر اعضای هیأت منصفه را تحت تأثیر قرار دهند.
پی‌نوشت‌ها:

۱_ Sex Disqualification (Reform) Act ۱۹۱۹, S. ۱.

۲_ Criminal Justice Act ۱۹۷۲.

۳_ Juries Act ۱۹۷۴.

₣_ Criminal Justice Act 1988.

Δ_ Good Reason.

Ϟ_ Buxton.

Υ_ General Hostility.

Λ_ Challenge.

Ϡ_ Sheriffs.

ϡ_ Treason.

ϣ_ Jury Panel.